

هفت قانون مطبوعاتی

ترجمه بتول خدا بخش

جهان آرزوها و امیدهاست و در عین حال، جهانی پُر مخاطره که انهدام و نابودی آن یک تهدید بالقوه است. این ابرهای به سرعت تکثیر شونده، آستن دانه‌های دانش و مرگند. زنان و مردان مطبوعاتی - این تاجران اخبار - عناصر اصلی در این نظام اجتماعی دگرگون شده‌اند، زیرا آنها نقاشان تصاویر جهان شکل گرفته بر مبنای اعمال نهایی انسانها هستند. عدم موفقیت در درک این واقعیت اساسی، گر چه خوفناک است، اما در واقع عجز در فهم و دریافت نقش مطبوعات در رفتارهای انسانی است. هنوز نتهای آخر سمفونی مطبوعات نواخته نشده است.

سه احتمال وجود دارد. مطبوعات می‌توانند آهنگ خود را آسانتر بنوازند تا بشر بتواند خود را نابود کند، می‌توانند این آهنگ را همساز با نوای طلبها و سنجهای برهم خورنده، به شیوه موسیقی و آهنگ تند «واگنری» بنوازند، و می‌توانند در ساخت یک هارمونی و هماهنگی جهانی همراهی کنند، هارمونی که نتیجه نهایی آن شبیه کارهای «ویوالدی» باشد. و سرانجام، مطبوعات می‌توانند روزهایشان را چون ناظری بی طرف بگذارند و هر لحظه با جهت باد همسو شوند، همچون رباتی بی فکر و اندیشه که تنها در انتظار سرنوشت خود است، نه در کار ساخت و همراهی آن. امیدگستخانه‌ای که در پشت سطر سطر این کتاب وجود دارد، آن است که مطبوعات از نقش تاریخی خود به عنوان وقایع نگار کور تضادها و درگیرها دور شده و نقش متفاوتی را جستجو می‌کنند، نقش یک حلال مشکلات را. هماهنگی و حیات جهانی در گرو حل صلح جویانه تضادها و

۱. در تمامی سیستمهای مطبوعاتی، رسانه‌های خبری عوامل و کارگزاران کسانی هستند که قدرت سیاسی و اقتصادی از آن آنهاست. روزنامه‌ها، مجلات و مراکز پخش خبری، بازیگران مستقلی نیستند، گرچه از استعداد و توانایی بالقوه عملکرد مستقل برخوردارند.

۲. مضامین و محتوی رسانه‌های خبری، همیشه منعکس کننده منافع کسانی است که مطبوعات را تأمین مالی می‌کنند.

۳. بنای تمامی سیستمهای اقتصادی بر آزادی بیان است، گرچه آزادی بیان به شیوه‌های مختلف تعریف شده است.

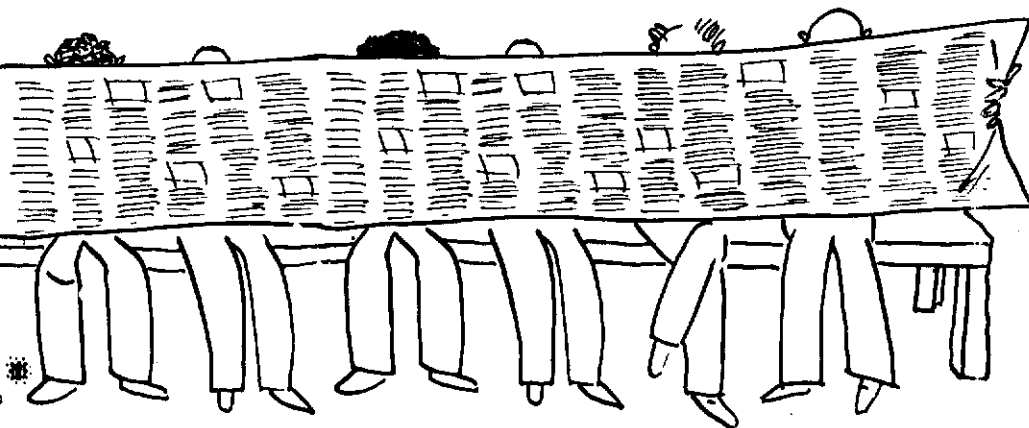
۴. تمامی سیستمهای مطبوعاتی بر دکترین مسئولیت اجتماعی صحنه گذاشته، مدعی‌اند که در خدمت منافع و رفع نیازهای مردم هستند، و تمایل خود را برای ایجاد ارتباط با مردم ابراز می‌دارند.

۵. در هر یک از سه مدل مطبوعاتی، فرض بر این است که مدل‌های دیگر امکان انحراف و به خطا رفتن دارند.

۶. مدرسه‌های روزنامه‌نگاری، انتقال دهنده ایدئولوژیها و سیستمهای ارزشی جوامع خود هستند و به ناچار، به کسانی که قدرت را در دست دارند، یاری می‌رسانند تا کنترل خود را بر رسانه‌های خبری اعمال کنند.

۷. مطبوعات در عمل همیشه با نوع ثوریک خود تفاوت دارند.

قرن فعلی، گاه عصر سلاحهای هسته‌ای و گاه عصر انفجار ارتباطی نامیده شده است. اشاره هر دو اصطلاح، به موضوع واحدی است: جهانی که به وسیله علم و تکنولوژی متحول و دگرگون شده است،



درگیرهاست.

رفتار انحرافی دارند، «بدها» هستند. برای آن دسته از روزنامه‌نگارانی که واقعاً قصد مطلع کردن، آموزش دادن یا مساعدت برای حل مسایل و مشکلات را دارند، درک این نکته ضروری است که مردم، خارج از سیستم ایدئولوژیکی تسلی بخش و پذیرفته شده‌ای که در آن نفس می‌کشند، چگونه رفتار و فکر می‌کنند. اگر قرار باشد یک درک واقعی به دست آید، باید امکان دسترسی «خوبها» به رسانه‌های خبری، به اندازه «بدها» باشد. «برتن» از یک نقش ارزشمند در حل تضادها که یک «گروه سوم» آن را ایفا کند، سخن می‌گوید، گروهی که وی نقش جدا کردن درست و بی‌غرضانه موضوعات مورد درگیری را به آنها می‌دهد؛ و از آن مهمتر، این ایجاد اطمینان را که دو طرف درگیر نه اینکه درگیر «مقابله، رقابت، معامله یا قدرت»، بلکه درگیر حل مسایل و مشکلات خواهند شد.

مطبوعات، کدام نقش قویتر را می‌توانند بازی کنند؟

«آلبرکامو» رمان نویس، مقاله نویس و روزنامه‌نگار برنده جایزه نوبل، هنگام پذیرش این جایزه در سال ۱۹۵۷ گفت: «اصالت فریاد ما، همیشه ریشه در دو تعهدی خواهد داشت که رعایت آنها دشوار است: سرپیچی و خودداری از دروغ گفتن در باره آنچه که می‌دانیم، و مقاومت در برابر ظلم و ستم». او می‌توانست تعهد سومی را نیز برای روزنامه‌نگاران اضافه کند: نگارش و پیرایش مطالب، به نحوی که به حل مشکلات بشر کمک کند، نه اینکه بر آنها بیفزاید.

سیستم طبقه‌بندی شده‌ای که در اینجا عرضه می‌شود، آسایش خیال اندکی ایجاد می‌کند. تضادها بیش از راه حلهاست. آدمهای خوب همیشه طرف «ما» هستند، حال این «ما» هر که می‌خواهد باشد. آدمهای بد همیشه طرف «آنها» هستند، «آنها» هم هر که می‌خواهند باشند. تاریخ مطبوعات این گونه القا می‌کند که روزنامه‌ها و سایر مطبوعات مدرنتر، تمایل به خدمت به منافع خودخواهانه تأمین کنندگان مالی مطبوعات داشته‌اند. در حالی که در همان زمان، این تصویر را ارائه داده‌اند که عملکرد مطبوعات در خدمت مشتریان اخبار بوده است. این انتظار که رسانه‌های خبری ۱۸۰ درجه تغییر مسیر دهند و به خواسته‌های تأمین کنندگان مالی خود با استهزا و تمسخر پشت پا بزنند، یک خیالبافی نامعقول از نوع فانتزیهای «اتوپایی» است.

دانشجویانی که بر روی این تضادها مطالعه می‌کنند، بر این باورند که بیشتر نزاعها و اختلافات بین افراد و نیز بین ملتها، مربوط به مسایلی همچون هویت، امنیت، شناسایی و استقلال می‌باشد. نیازهای هر فرد یا هر ملتی، اقتضای نوعی احساس امنیت از تجاوزات و تهاجمات غیر معقول، و نیز احساس هویت فردی یا ملیتی دارد. اگر اینان به نیازهای خود دست نیابند، بنابر اظهار «جان برتن»، ملت یا فرد محروم به شیوه‌ای از رفتار پناه می‌برد که صاحبان قدرت آن را «رفتار انحرافی» می‌نامند. در چنین شرایطی، «ما» یا کسانی که طبق هنجار و ایدئولوژی رایج زندگی می‌کنند، «خوبها» هستند و «آنها» که

